

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی- پژوهشی

سال دهم- شماره سوم- پاییز ۱۳۹۶- شماره پیاپی ۳۷

«تحلیل سبکی شرح مثنوی سروری»

(ص ۲۸۰-۲۶۵)

سید مسعود دفتریان^۱، سید علی اصغر میرباقری فرد^۲ (نویسنده مسئول)،
مرتضی رشیدی آشجردی^۳

تاریخ دریافت مقاله: پائیز ۱۳۹۵

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: بهار ۱۳۹۶

چکیده

از جمله تألیفات ارزشمند گذشتگان، شرح نویسی بر آثار بزرگان است و شرح مثنوی معنوی مولانا بیش از دیگر آثار، مورد توجه شارحان بوده است. تعدادی از شروح نوشته شده بر مثنوی معنوی تاکنون معرفی و چاپ شده‌اند اما هنوز تعدادی از این شروح، گمنام و در کنج کتابخانه‌ها در پرده نسیان باقی مانده‌اند. یکی از این شروح، شرح مصطفی بن شعبان سروری از عالمان قرن نهم و دهم هجری است. شرحی که تا به حال تصحیح و معرفی نشده و توانسته است اندیشه‌های مولانا و مشرب فکری او را بیشتر و بهتر و با در نظر گرفتن مشرب فکری خود او به مشتاقانش شناساند. این شرح توانسته است در بین شروح هم‌تراز خود جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهد، چرا که تفکرات مولانا را با توجه به سنت اول عرفانی تبیین نموده که نزدیکترین سنت به دیدگاه مولانا است در حالی که عمده شارحان مثنوی بدین روش عمل نکرده‌اند. سروری در این اثر به شرح هر شش دفتر مثنوی پرداخته و تمامی ابیات را مصرع به مصرع شرح کرده است.

کلمات کلیدی: شرح مثنوی، مصطفی بن شعبان سروری، بررسی سبکی.

۱. دانشجوی گروه زبان ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
masoud.daftarian@gmail.com

۲. استاد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

bagheri@ltr.ui.ac.ir

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.
mortezarashidi51@yahoo.com

مقدمه

در باب اهمیت مثنوی معنوی در ادبیات جهان و بخصوص ادبیات عرفانی فارسی نیاز به اطلاع کلام نیست. شهرت مثنوی معنوی پس از اندکی به بخشهای مختلف ممالک اسلامی رسید و از آنجا که این اثر گراندرد دارای لایه‌های لطیف معانی است، تلاش برای فهم و درک بهتر این معانی از طریق شرح نویسی آغاز گردید. مطالعه و تدقیق در مثنوی فقط مختص ایرانیان نبوده است و در حوزه عثمانی نیز - با توجه به اینکه زبان فارسی رواج داشته است - تلاشهای شایانی برای شرح و توضیح و تفسیر این اثر انجام گرفته است. در این میان، به دلایل مختلف "شرح سروری" از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

نگاهی اجمالی به شرح نویسی بر مثنوی معنوی تا قرن دهم هجری قمری:

از زمان نظم مثنوی تا قرن دهم تلاشهایی برای شرح مثنوی انجام شد. در این میان میتوان به شرح "احمد رومی" در قرن هشتم^۱ (سرنی، زرین کوب: ص ۷۷۰)، "جواهر الاسرار و زواهر الانوار" (جواهر الاسرار، کمال الدین حسین خوارزمی)، "کنوز الحقائق فی رموز الدقائق" (الذریعه، آقابزرگ: ج ۱۸: ۱۷۲)، "رساله نائیه مولانا یعقوب چرخي" (رساله نائیه، چرخي)، "رساله نائیه (نی نامه) عبدالرحمن جامی (همان)، شرح "داعی الی الله شیرازی" (شرح مثنوی، داعی) اشاره کرد. اما "مصلح‌الدین مصطفی بن شعبان" معروف به "سروری" در قرن دهم، نخستین شرح منظم و کامل را در ترکیه به فارسی نوشت و از این لحاظ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

پیشینه پژوهش

متأسفانه این اثر ارزشمند تاکنون تصحیح و به زیور طبع آراسته نشده است و هیچ پژوهش جامعی که به جوانب مختلف این شرح بپردازد وجود ندارد؛ لکن بعضی پژوهشگران در تحقیقات پراکنده، تنها اشاره‌ای به این رساله ارزشمند کرده‌اند. "یوسف بیگ باباپور" در دو مقاله با عنوان "نگاهی به شروح کهن مثنوی معنوی" و "نگاهی به کتاب شرح مثنوی تألیف محمد نعیم" تنها اشاره‌ای در حد چند سطر به شرح مذکور داشته است. (نگاهی به کتاب شرح مثنوی تألیف محمد نعیم، بیگ باباپور: ۹۱)؛ نگاهی به شروح کهن مثنوی معنوی، همان: ۷۶) "جوادی سلماسی‌زاده" در مقاله‌ای با عنوان "مثنوی معنوی و نیکلسون" نیز اشاره بسیار مختصر در حد یکی دو سطر نموده است (مثنوی معنوی و نیکلسون، سلماسی‌زاده: ۲۱۳)؛ علاوه بر اینها "سعید عابدپور" در مقاله‌ای با عنوان "مثنوی خوانی در بوسنی و هرزگوین" تنها در چند سطر به اهمیت این شرح در بوسنی و هرزگوین پرداخته است. (مثنوی خوانی در بوسنی و هرزگوین، عابدپور: ۴۱)

آثار و احوال سروری

مصطفی بن شعبان سروری از عالمان و شارحان بزرگ قرن دهم است که علی رغم فعالیت‌های علمی فراوان و آثار متعدد و پربار، اطلاعات چندانی از زندگی وی در دست نیست. پس از بررسی‌های فراوان در باب زندگانی سروری، نتیجه چنین شد که در کتاب "ریحانة الادب" تنها در چند سطر به شرح مثنوی سروری اشاره شده است: "سروری - مصطفی بن شعبان - از قدمای شعرا و مشایخ کرام عثمانی است که در اصل از قصبه گلیپولی بود. به هر یک از بوستان و گلستان سعدی و دیوان خواجه حافظ و مثنوی ملای رومی شرح‌های معتبری نوشته؛ لکن به مناسبت عدم اطلاع به رموز و نکات فارسی در آن شرح‌ها دچار خطایای بسیاری گردیده است. در طبّ نیز تألیفی داشته و سه دیوان ترکی هم دارد و در سال ۹۶۹ هجرت در گذشت" (ریحانه الادب، مدرّس تبریزی: ۲۵۰). بیشتر آثار سروری را شرح‌های وی تشکیل می‌دهد لیکن خود نیز صاحب تألیف است که بطور کلی می‌توان به شروح و تألیفات وی چنین اشاره کرد:

شرح مثنوی مولانا به فارسی، شرح بوستان سعدی به فارسی، شرح گلستان سعدی به عربی، شرح مراد الارواح، شرح دیوان حافظ به ترکی، شرح الامثله به عربی، کتاب بحر المعارف در عروض و قافیه، دیوان شعر ترکی، شرح رساله معمای جامی، شرح جامع صحیح بخاری در چند جلد، شرح شبستان خیال فتاحی، شرح المراح، شرح المصباح در نحو و ... در باب آثار وی رجوع کنید (هدایة العارفین، پاشا بغدادی: ۴۳۴)؛ همچنین در این باب رک (شعر و ادب فارسی در آسیای صغیر، خسرو شاهی: ۱۹۸)

نسخ شرح مثنوی سروری:

- ۱- نسخه کتابخانه ملک بشماره ۱۱۵۴ که مجموعاً ۳۸۹ برگ ۲۱ سطری ۲۸×۱۸ سانیمتری دارد.
- ۲- نسخه کتابخانه مجلس بشماره ۱۱۱۹. حدود ۸۸۰۰ بیت شرح شده است. خط آن نستعلیق و ظاهراً قرن یازدهم بوده است. مقداری افتادگی از وسط دارد. مجموعاً ۱۹۲ برگ ۲۳ سطری. اندازه ۲۴×۱۴ سانیمتر.
- ۳- نسخه کتابخانه مجلس بشماره ۱۰۶۵۹ شرح دفتر اول است. با توجه به یادداشتی که در سال ۱۰۸۸ ق دیده میشود به احتمال قوی کتابت آن در قرن یازدهم بوده است. دارای ۲۶۷ برگ ۲۵ سطری ۲۵×۱۵ سانیمتری.
- ۴- نسخه دانشگاه تهران بشماره ۸۵۴۴. کاتب آن "درویش محرم". بدون تاریخ. تملک "سید محمد بن حسن افندی" در آن دیده میشود. دارای ۲۴۵ برگ ۲۵ سطری ۲۰×۱۵ سانیمتری. تاریخ کتابت ۱ محرم ۱۰۲۳.

- ۵- نسخه کتابخانه راشد افندی بشماره ۱۳۷۵. خط نستعلیق. کتابت ظاهراً قرن سیزده. ۲۵۰ برگ ۲۷ سطری ۲۳×۱۸ سانتیمتری.
- ۶- نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول بشماره، کتابت ۱۰۰۶. ۴۵۵ برگ به خط نستعلیق.
- ۷- نسخه کتابخانه دانشگاه استانبول بشماره ۶۴۳. ۸۲ برگ.
- ۸- نسخه کتابخانه بروسه بشماره ۹۲۱، ۴ جلد.
- ۹- نسخه کتابخانه نذیر احمد و علی احمد صاحبان بشماره ۸۷۹۹، مجلد سوم، کتابت سده ۱۱.
- ۱۰- کتابخانه احمد پاشا بشماره ۱۷۷۷۲. خط نسخ، بدون نام کاتب.
- ۱۱- نسخه کتابخانه توپقاسرای بشماره ۱۳۶۱ کتابت ۹۴۹.
- ۱۲- کتابخانه بایزید بشماره ۳۷۷۲. تاریخ کتابت ۱۲۱۸. ۵۰۰ برگ.
- ۱۳- نسخه کتابخانه غازی خسرو بیگ:

نسخه‌ای از شرح مذکور بشماره ۳۷۷۰ در کتابخانه غازی خسرو بیگ نگهداری میشود که با توجه به یادداشتی که در ظهر برگ اول نسخه موجود است معلوم میشود که نسخه به خط مؤلف بوده است. عبارت یادداشت اینچنین است: ”وقف المرحوم درویش پاشا الموستاری علیه الرحمه الملك الباری بخط شارحه سروری افندی المرحوم“ تاریخ کتابت این نسخه اواسط ماه صفر سال ۹۵۹ صورت گرفته است و تنها شح دفتر اول و سوم آن برجای مانده است.

با توجه به اصل^۱ بودن نسخه مذکور، این پژوهش بر اساس این نسخه و مقابله با نسخ دیگر انجام گرفته است.

۱- سبک شرح مثنوی سروری:

شیوه سروری در شرح مثنوی چنین است که بعد از بیان مقدمه، یک مصرع از مثنوی را می‌آورد و سپس به شرح آن می‌پردازد. وی خود را ملزم میدیده که این شیوه، یعنی شرح مصرع به مصرع ابیات را به دقت بکار گیرد. بدین ترتیب از آغاز دفتر اول تا انجام، هریک از مصراعهای دفاتر مثنوی بطور جداگانه شرح و تفسیر شده است.

۱-دالف- مقابله با نسخ مختلف و تصحیح مثنوی:^۲

یکی از ویژگیهای این شرح، آن است که سروری توانسته است به نوعی همه جانبه، مثنوی را تصحیح نماید. شاید وی از نخستین کسانی باشد که با مقابله نسخه‌های مختلف کوشیده است تا متنی منقح به دست دهد و یادآوری می‌کند که ”در بعضی نسخ بجای فلان مصراع، این مصراع واقع است“.

۱- در باب نسخه‌های اصل رک (صفری، ۲۰:۱۳۹۰)

۲- باید توجه داشت که حدود یک قرن بعد ”عبداللطیف عباسی“ با گردآوری نسخه‌های متعدد از مثنوی معنوی دست به تصحیح مثنوی زد و ”نسخه نسخه مثنوی“ را گردآوری کرد. (در این باب رک صفری، ۴۷:۱۳۹۰)

"ترک جنگ و رهنزی ای زن بگو: در بعض نسخ "ترک جنگ و سرزنش ای زن بگو" (نسخه اساس: ۱۸الف) "پس گواهی بایدم برمفلسی: در بعض نسخ بجای این مصراع این مصراع واقع است "تا شهی رحم کند یا مونسی" (همان: ۲۷۴ب)

"چون خفاشی کو تف خورشید را" چنانکه شب پره‌ای تاب آفتاب را، "برنتابد بسکلد امید را" در بعض نسخ به تشدید میم است بی واو. در بعض نسخ با واو است بی تشدید. (همان: ۲۸۸ب)

۱- ب- بررسی مفردات و نواذر لغات:

در شرح هر مصراع شیوه وی بیشتر مبتنی است بر توضیح واژه‌ها، مفردات و اصطلاحات که ممکن است برای مخاطب نامأنوس و مهجور باشد. لذا هر کجا که واژه یا ترکیبی نیاز به توضیح دارد و یا تلفظ لغتی بنا به دلیلی غیر از تلفظ معمول آن است؛ به آن توجه کرده و شرح میدهد.

"نبض او بر حال خود بُد بی گزند" لفظ "بُد" مخفف "بود" است و "گزند" به معنی زبان است (همان: ۱۹ب) "آنکه بودست امّه الهاویه" از نامهای جهنم است. "هاویه آمد مر او را زاویه" گوشه قرار. (همان: ۶۰ب) "گفت پیغامبر که رنجوری به لاغ" به معنای هزل و لطیفه. (همان: ۱۷۶الف) "از نبی خوانید تا آنسوکم" "نبی" به ضمّ "نون" به کسر "یا" به معنی قرآن است. (همان: ۲۴۵الف) "هم عرب ما هم سبو ما هم ملک" به فتح "میم" و کسر "لام" به معنی پادشاه. (همان: ۲۷۳الف)

۱- پ- اشارات و تلمیحات:

همچنین اگر بیتی یا مصراعی تلمیحی به داستان، حدیث یا آیه‌ای داشته باشد آن آیه یا حدیث و یا داستان را به صورت کامل بیان مینماید. "خوان فرستاد و غنیمت برطبق: چنان که در اواخر سوره مائده مذکور است: *إِذْ قَالَ الْخَوَارِثُونَ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ*". (همان: ۱۰۳الف)

"هرچه بر تو آید از ظلمات و غم" و از قساوت دل؛ "آن ز بی باکی و گستاخی است هم" اگر تفحص احوال خویش کنی هر نعمت که به تو رسد سبب او را در خود بینی. چنانکه حضرت خدا در سوره رعد فرمود: *اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بَقُومَ حَتَّىٰ يُعَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ*. و در حم سجده فرمود: *مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ*. (همان: ۲۰۲ب)

"بهر لقمه گشت لقمانی گرو" و محبوس شده. از آنکه بسیار خوردن به حکم حدیث نبوی: لا تتموا قلوبکم بکثره الاکل؛ دل را بمیراند از او. (همان: ۵۴ب)

"حس را تمییز دانی چون شود" و چگونه باشد. "آنکه حس ینظر بنورالله بود" به حکم حدیث شریف: اتقوا فراسته المؤمن فاته ینظر بنورالله. به نور خدا ناظر باشد. (همان: ۲۳۳الف)

۱-ت- رمز‌گشایی نمادها و بازیگران داستانها:

در شرح داستانها، وی ابتدا داستانها را رمز‌گشایی میکند و میکوشد تبیین نماید که مراد مولانا از آن داستان چیست و شخصیت‌های هر داستان نماد چه افرادی هستند. در تحلیل و رمز‌گشایی هر داستان، مکرر یادآوری میکند که نباید به معنای ظاهری داستانهای مثنوی توجه کرد بلکه در پس این ظواهر، معانی عمیق و گسترده ای نهفته است. "که بفرما یا امیرالمؤمنین" مقول قول این است. مقصود خدمت مولانا در این مرتبه این است که آن که امیرالمؤمنین، یعنی مرشد دین و معلم یقین؛ چون تعلیم اخلاص کند از درون مستمعان، جنبیدن پیدا شود و میل به سوی عمل به اخلاص هویدا گردد" (همان: ۲۶۷ ب)

"چون به خرگوش آمد این ساغر به دور" یعنی نوبت قرعه به خرگوش آمد. "بانگ زد خرگوش آخر چند جور" و ظلم. مراد از شیر نفس است و از خرگوش عقل و از نخجیران حواس و اعضا. (همان: ۴۸ الف)

"وانکه پایش در ره کوشش شکست" مراد رسول الله است -علیه السلام- (همان: ۱۱۵ ب)
 "قصه اعرابی درویش و ماجرای زن او با او به سبب قلت درویشی" مراد از این اعرابی درویش، عقل است و مراد از زن او، نفس. چنانکه در مخلص قصه، مّصرح خواهد آمد و در ابتدا از آن جهت تنبیه کردیم تا در ادراک خلق، خلل حاصل نشود. (همان: ۱۷۳ ب)

۱-ث- استنتاج در پایان هر بخش:

در پایان هر داستان یا در انتهای هر موضوع و مبحثی، او بهره و حصه و نتیجه عقلی و منطقی آن مطلب را بیان میکند. معمولاً با این عبارت: «حصه قصه در این مرتبه این است که» که مکرر بکار میبرد و تحلیلی از یافته‌ها و برداشتهای خود از مثنوی به دست میدهد: "من بر این درطالب چیز آمدم" اما صدر گشتم. «چون به دهلیز آمدم معظم شدم» چون به دریچه در رسیدم. حصه قصه در این مرتبه این است که گاه باشد که کسی از بهر طلب دنیا عبادت کند و در صورت صلاح گیرد اما از حضرت خدا فیض میرسد که مخلص و مقرب شود" (همان: ۱۹۲ الف)

"نایب رحمن خلیفه کردگار" به موجب السلطان ظلّ الله، نایب و قایم مقام خداست. "شهر بغداد است از وی چون بهار" اعتدال هوا و تازگی حاصل کرده و حصه قصه در این مرتبه این است که کسی چون مفلس عمل و فقیر طاعت باشد او را میباید که پادشاه دین و مرشد یقین مصاحبت کند که او را روشنایی دل و صفای قلب و طراوت گلستان حقیقت پیدا گردد و او شاه آخرت شود. (همان: ۲۲۲ الف)

"جواب گفتن امیرالمؤمنین که سبب افکندن شمشیر از دست چه بوده است در آن حالت" ظاهر قصه جواب حضرت علی -رضی الله عنه-، اما حصه از قصه در این مرتبه، تحمّل

عالمان و صبر مرشدان است بر جفای جاهلان و انکار عاصیان به مقتضای اخلاص عمل.
(همان: ۲۴۳ ب)

۱- ج استناد به متون دیگر:

تأثیر آثار گذشتگان در شرح او به خوبی پیداست. وی در شرح ابیات مثنوی از اقوال، داستانها، حکایات و موضوعات آثار برجسته عرفانی مانند کشف المحجوب، رساله قشیریه، آثار خواجه عبدالله انصاری، آثار حکیم سنایی، عطار، ابوسعید ابوالخیر، نظامی، خاقانی، مولانا، سعدی، حافظ و... بهره برده و در شرح خود مستقیم یا غیرمستقیم به آنها توجه کرده است:

"خواجه عبدالله انصاری گوید: تجلی حق ناگاه آید اما بر دل آگاه آید" (همان: ۲۱۹ ب) «سلطان العارفین ابویزید - قدس سره - شبی حضرت خدا را در خواب دید. خدای تعالی گفتش: یا بایزید از من چه میخواهی؟ ابویزید گفت: خدایا از تو میخواهم آنچه تو میخواهی" (همان: ۲۷۸ ب)

"راجع آن باشد که باز آید به شهر" که رجوع به شهر خود عودت است. "سوی وحدت آید از تفریق دهر" و لهذا خاقانی میگوید:

شعر

مرگ از پی حیات تو غم خوار و واسطه است جان کن نثار و واسطه غمگین چه مانده‌ای

(همان: ۷۵۱ ب)

"شیخ نظامی، عمر گرامی را به قناعت و تقوی و عزلت و انزوا گذرانید. هرگز چون سایر شعرا و علما از غلبه حرص و هوا ملازمت ارباب دنیا نکرد بلکه سلاطین روزگار به وی تبرک میجست‌اند چنانکه میگوید:

نظم

چون به عهد جوانی از بر تو به در کس نفرتم از در تو
همه را بر درم فرستادی من نمیخواستم تو میدادی
چون بر درگه تو گشتم پیر ز آنچه ترسید نیست دستم گیر

(همان: ۶۹۲ ب)

۱- ج- بررسی آیات و شرح غوامض از طریق قرآن:

سروری از آنجایی که قرآن کریم را از بر داشته؛ هر کجا که حضرت مولانا به قسمتی از آیه‌ای اشاره میکند و یا مضمون آیه‌ای را بیان میدارد؛ تمام آن آیه را ذکر میکند و مفهوم آن را نیز بیان میکند و در مواقعی که به تحلیل موضوعی میپردازد باز

از ذهن خویش کمک می‌گیرد و برای روشن سازی بیشتر آن موضوع آیه‌ای از قرآن شاهد می‌آورد:

"تا تو با خود نرد خدمت باختی" به موجب آیه سوره والذاریات: و مَا خَلَقْتَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونَ" (همان: ۱۲۲ الف)؛ "لاجرم أبصارنا لا تدرکه" بصرهای ما ادراک نمی‌کند او را. وَ هُوَ يَدْرِكُ بَيْنَ تَوَازِ مُوسَى وَ كِه: به حکم آیه سوره انعام است: لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَ هُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ" (همان: ۲۴۱ الف)؛ "ای خداوند این خم و کوزه مرا" مرهون است، "در پذیر از فضل الله اشتری" قبول کن. به حکم آیه سوره توبه که: إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ الْجَنَّةَ. (همان: ۲۶۶ ب)

۱- ح - تحلیل‌های زبانی:

با توجه به این که سروری در حوزه عثمانی و برای ترک زبانان این اثر را شرح کرده است؛ در بعضی مواقع اشاره‌ای به مباحث دستوری میکند و در صورتیکه درک مصراعی یا سخنی مشکل باشد؛ قواعد دستوری آن را بیان میکند تا منظور و مفهوم سخن برای خواننده آشکار شود:

"غولت ار ره افکند اندر گزند" لفظ "غولت" مبتداست و باقی خبر " (همان: ۲۲۱ ب) "بی وصال روی روز افروز او" لفظ "روز افروز" وصف ترکیبی است " (همان: ۱۲۵ الف) «هم عرب ما هم سبو ما هم ملک» به فتح "میم" و کسر "لام" به معنی پادشاه. "جمله ما یؤفک عنه من افک" لفظ "جمله" قید مصرع اول است. (همان: ۲۷۳ الف) «این کتاب مثنوی معنوی اصول اصول دین است فی کشف اسرار الوصول و الیقین در گشادن رازهای وصول یقین" جار و مجرور متعلق است به اصول اول. (همان: ۳ ب)

۲- مقایسه شرح مثنوی سروری با دیگران شارحان معتبر:

در این بخش به تفاوتها و مشترکات شرح سروری با چند شرح معروف و معتبر قبل و بعد از وی، میپردازیم تا جایگاه و اهمیت سروری و شرحش بهتر و دقیقتر روشن گردد.

۱-۲- شیوه شرح جواهر الاسرار و زواهر الانوار:

این کتاب اولین شرح نسبتاً کامل مثنوی مولوی است که مؤلف آن کمال الدین حسین بن حسن خوارزمی، به شرح سه دفتر از دفاتر ششگانه مثنوی مولانا پرداخته است و توفیق شرح سه دفتر دیگر را نیافته است. وی پیش از اینکه به شرح مثنوی وارد شود؛ مقدمه‌ای نگاشته که یادآور مقدمه ابن خلدون بر تاریخ خود است. این مقدمه مفصل، شامل یک پیشگفتار و ده مقاله است که در آنها سعی کرده است برای فهم مثنوی، اصول عرفان اسلامی را برای خوانندگان بیان کند.

از مقدمه مفصلی که خوارزمی بر "جواهر الاسرار" نوشته است؛ بزرگترین و مفصلترین آن، مقدمه نخستین از این مقالات دهگانه است که متضمن بیان احوال مشایخ تصوف بوده و از

حضرت علی(ع) شروع شده و با شرح حال مولانا جلال الدین بلخی پایان میپذیرد. اساس نوشته‌های خوارزمی بر سجع و ترصیع و تجنیس و این قبیل صنایع بدیعی است. بنابراین میتوان آن را نثری مصنوع دانست که نه تنها در مقدمه، بلکه در سرتاسر کتاب حاکم است. نثر این اثر، مملو از آیات و احادیث و اشعار عربی و فارسی است و تقریباً هیچ صفحه‌ای از کتاب نیست که خالی از این مقولات باشد و این خود نشانه‌ای است از احاطه کامل خوارزمی به ادب فارسی و عربی.

از جمله ویژگیهای این شرح میتوان به استشهاد به آیات و اخبار و احادیث، استفاده از تمثیلات و حکایات، استناد به اشعار شعرای بزرگ فارسی و عربی از جمله کلیات شمس، دیوان عراقی و خاقانی، حلاج، آثار عطار، آثار ابن عربی و ... و بیان خلاصه‌ای از حکایات و امثال اشاره کرد. عدم شرح برخی از ابیات مشکل و پاره‌ای از لغات و اصطلاحات عرفانی، فلسفی، از جمله کاستیهای این شرح است.

۱-۲- الف - ویژگی مشترک «شرح خوارزمی» با «شرح سروری»

ویژگی مشترک «شرح خوارزمی» با «شرح سروری» استفتاده از آیات، احادیث، حکایات و تمثیلات برای فهم بهتر اندیشه‌های مولانا و همچنین مستندسازی شرح به اشعار و سخنان بزرگان ادب فارسی و عربی است تا جایی که جدا کردن آیات و احادیث و همچنین اشعار فارسی و عربی از شرح سروری، فهرست بلند بالایی را فراهم می‌آورد که توجه به این موضوع، شاید بتواند مشکلات چندانی را از متون دینی و ادبی رفع نماید.

۱-۲- ب - اختلاف «شرح خوارزمی» با «شرح سروری»

خوارزمی تنها به شرح سه دفتر از دفاتر مثنوی پرداخته در صورتیکه سروری تمام شش دفتر را شرح کرده است. همچنین در شرح جواهر الاسرار، ابیاتی یافت میشود که شارح از شرح آنها گذشته است و تفسیر آن ابیات را به عهده خواننده گذاشته اما در شرح سروری چنین موردی یافت نمیشود و او تمام ابیات را از ابتدای دفتر اول تا پایان دفتر ششم، شرح میدهد.

از دیگر اختلافهای موجود این دو شرح، این است که سروری کوشیده است در شرح خود از نسخه معتبر استفاده کند و حتی الامکان اختلاف نسخ را ذکر کند اما در شرح خوارزمی چنین چیزی مشاهده نمیشود.

۲-۲- شیوه شرح مکاشفات رضوی:

«مولانا محمد رضا لاهوری» در قرن یازدهم هجری، شرح و گزارشی بر ابیات مثنوی نگاشت و نام آن را به نام حضرت امام رضا(ع)، «مکاشفات رضوی» نهاد. در این باب ر.ک (مکاشفات رضوی، لاهوری) وی در این اثر، پیش از شرح، مقدمه کوتاه و نقدی صحیح از داستان مورد نظر بازگو میکند و مقصد و هدف حضرت مولانا را بیان مینماید و قبل از ورود

به داستان، پیش زمینه‌ای کلی در این راستا به ذهن مخاطب القا میکند. شیوه کار او در شرح، توضیح و گزارش جداگانه هر یک از ابیات مثنوی است آنگونه که، کل یک بیت را آورده و به یکایک نکات و دقایق آن از جهت قرآن و حدیث و لغت و اصطلاح و تاریخ و... پرداخته و پس از آن، بیت را روان و یکدست و بیشتر اوقات در نهایت ایجاز شرح میکنند و گاهی تنها به شرح یک مصرع از بیت اکتفا مینمایند.

لاهوری به تمامی نکات و دقایق ابیات توجه داشته و به آنها پرداخته است چه آنجا که بیتی به آیهای شریف اشاره دارد یا به حدیثی قدسی یا نبوی، چه آنجا که اصطلاحی عرفانی مطرح شده و وی آن را به ظرافت شکافته و شناسانده است.

۲-۲-الف- ویژگی مشترک «شرح مکاشفات رضوی» با «شرح سروری»

ویژگی مشترک شرح مکاشفات رضوی با شرح سروری، یکی آن است که لاهوری همچون سروری، پیش از ورود به داستان، پیشینه ذهنی به خواننده میدهد و پس از آن هدف مولانا را از داستان بازگو میکند و این توضیحات قبل و بعد از موضوع، در فهم مطلب کمک بسزایی دارد. وجه اشتراک دیگر آن که هر دو شارح به مباحث قرآنی، حدیثی، عرفانی و حکمی مطروحه در ابیات مولانا اشاره میکنند و مآخذ و دقایق آن را روشن میسازند که گاهی این مسئله منجر به طولانی شدن سخن و اطناب در شرح یک بیت یا مصرع میشود. روانی متن و شرح سلیس ابیات از دیگر مشترکات این دو شرح است.

۲-۲-ب- اختلاف «شرح مکاشفات رضوی» با «شرح سروری»

لاهوری در کتاب خود به شرح کامل یک یا چند بیت میپردازد و مفهوم آن بیت را به صورت یکدست بیان میکند در حالی که سروری در تمام شرح خود از یک روند همیشگی استفاده کرده که شرح مصرع به مصرع مثنوی است. همچنین پرداختن به نکات دستوری و معانی دشوار مفردات و ترکیبات در شرح مکاشفات رضوی به ندرت دیده میشود در صورتیکه این امر در شرح سروری به فراوانی وجود دارد به گونه‌ای که جزو یکی از ویژگیهای سبکی این شرح به حساب آمده است.

۲-۳- شیوه شرح اسرارالغیوب خواجه ایوب:

این شرح مشتمل است بر شرح مشکلات تمام مثنوی، بدین گونه که مؤلف در ابتدا لغات دشوار را تفسیر کرده و پس از آن به شرح ابیات میپردازد و همچنین اقوال و تفاسیر شارحان قبل از خود را نقد و تحلیل میکند. خواجه ایوب در این شرح و در جای جای آن، از کلمات و حالات و خوارق عادات مولانا نمونه‌ای ذکر میکند تا معنی بیت را واضحتر و روشنتر سازد. وی ابتدا واژه‌های مشکل و دور از ذهن هر بیت را و یا هر مصرع را معنی میکند که این معنی کردن به دو صورت انجام میشود یکی آن که فقط معنی لغت، در آن بیت یا مصرع تذکر داده میشود و دیگر آن که همه معانی آن لغت را بیان میکند و صورت

دوم بیشتر مشاهده میشود.

خواجه ایوب پس از نقد تفاسیر دیگران، نتیجه‌ای عالمانه به دست میدهد که بسیار قابل توجه و بررسی است. وی در بیشتر اوقات فقط به شرح یک مصرع از بیتی میپردازد و چون مصرع دیگر احتیاجی به تفسیر و توضیح ندارد از ذکر آن صرفه نظر میکند. شارح در شرح مثنوی خود از ابیات مختلفی برای فهم سخن بهره میجوید و گاهی مثنویهایی تا سی و هشت بیت به عنوان شاهد ذکر میکند. این شارح برای درست خونی یا تلفظ درست کلمات، اشاره‌ای به چگونگی خواندن کلمات نیز میکند و در مواردی که تلفظ کلمه‌ای در معنای آن دخیل باشد؛ شکل تلفظ صحیح آن کلمه را متذکر میشود.

۳-۲-الف- ویژگی مشترک «شرح خواجه ایوب» با «شرح سروری»

ویژگی مشترک شرح خواجه ایوب با شرح سروری در این است که هر دو شارح به ذکر معنی واژه‌ها و لغات مشکل همت می‌گذارند و بعد از آن در صورت نیاز، شرح کامل بیت یا مصرع را بیان میکنند و همچنین شارحان مذکور از ابیات شاهد در شرح خود استفاده میکنند و این امر علاوه بر فهم بهتر سخن در زیبایی و زینت متن بی تأثیر نیست. هر دو شارح به شرح شش دفتر مثنوی همت گمارده‌اند.

۳-۲-ب- اختلاف «شرح خواجه ایوب» با «شرح سروری»

اختلاف موجود بین این دو شرح آن است که خواجه ایوب در جای جای شرح خود از کرامات مولانا سخن میگوید و از وی یاد میکند در حالی که در شرح سروری این موضوع فقط در زمانی است که سخن از شخص مولانا و یا مریدان وی به میان می‌آید. دیگر آن که خواجه ایوب تفسیر شارحان قبل از خود یا معاصر با خود را نقد و تحلیل میکند در حالی که سروری به چنین کاری دست نیازیده است.

۴-۲- شیوه ولی محمد اکبر آبادی در کتاب مسمی به مخزن الاسرار:

«اکبر آبادی» از عالمان نیمه نخست سده دوازدهم هجری است که برای هر دفتر از دفاتر ششگانه مثنوی دیباچه و خاتمه‌ای منظوم، مدون ساخته است و در پایان شرح دفتر ششم، شرح خود را به نام «مخزن الاسرار» نامیده است.

روش شارح سنجیده و پخته است و به مانند گزاره نویسی شارحان قبل از خویش است. شارح به تمامی منابع فارسی و عربی اقبال نشان میدهد و آیات قرآنی را با توجه به پاره‌های قرآن نقل میکند و همچنین احادیث و گفتارهای عربی بزرگان را ترجمه کرده و ذکر مینماید. وی مقولاتی از پیشینیان چون حافظ، ابن عربی، عراقی، جامی و... می‌آورد و از آثار و گفته‌های این بزرگان به خوبی بهره میگیرد. اکبر آبادی خود شعر میگفته و با وزن و نظم و نثر فارسی آشنایی کامل داشته است و در کتاب خود از «تحفه الاسرار» خویش که به صورت سوال و جواب، مبحث عرفانی را منظم کرده است، استفاده میکند. شرح اکبر

آبادی از جمله شرح‌های مشهور شبه‌قاره بوده و مورد مراجعهٔ مثنوی‌شناسان همهٔ دنیا چون فروزانفر و نیلکسن قرار داشته است.

۴-۲- الف - ویژگی مشترک « شرح اکبر آبادی » با « شرح سروری »

ویژگی مشترک شرح اکبر آبادی و سروری توجّه به آیات قرآنی، احادیث و عبارتهای عربی است که البته اکبر آبادی این عبارات را با ترجمه آن ذکر میکند. در صورتیکه سروری توجّهی به ترجمه آنها ندارد. استفاده از آثار پیشینیان و همچنین ایجاد شرح روان و قابل فهم از دیگر مشترکات این دو شارح است.

۴-۲- ب - اختلاف « شرح اکبر آبادی » با « شرح سروری »

یکی آن که اکبرآبادی از اشعار خود در شرح مثنوی بهره جسته در حالی که سروری از اشعار دیگران استفاده کرده است و خود شعر نمیگفته و دیگری آن که اکبرآبادی تمامی ابیات مثنوی را شرح نکرده است و از شرح برخی ابیات مشکل گذشته است. در صورتیکه در شرح سروری چنین نیست و تمامی ابیات شرح شده‌اند.

۵-۲- شیوه شرح حاج ملاهادی سبزواری:

”حکیم سبزواری“ در کتاب شرح مثنوی خویش موسوم به ”شرح الاسرار“ به توضیح و تفسیر آیات قرآنی که در مثنوی بدانها اشاره شده است میپردازد و مبانی عرفانی را و همچنین اسرار سیر و سلوک عارفان را نیز شرح میدهد. سبزواری به نکات ادبی موجود در اشعار و به تلفّظ صحیح کلمات مثنوی اشاره میکند و معانی برخی از ابیات مشکل را بیان میکند. شریح مسائل فلسفی و کلامی از دیگر ویژگیهای این شرح است که توانسته است همراه با تصحیح انتقادی و اجتهادی، متنی در خور توجّه به دست دهد.

۵-۲- الف - ویژگی مشترک « شرح الاسرار » با « شرح سروری »

ویژگی مشترک شرح اسرار و شرح سروری در بیان نکات دستوری و ادبی ابیات و همچنین اشاره به شکل صحیح تلفّظ کلمات در برخی از ابیات مثنوی معنوی است.

۵-۲- ب - اختلاف « شرح الاسرار » با « شرح سروری »

حکیم سبزواری به شرح تک تک ابیات نمیپردازد؛ بلکه فقط به کلمه یا کلماتی که در بیت مورد نظر بوده؛ توجّه داشته است و جز در مواردی اندک، تمام بیت یا یک مصرع را نقل نکرده است.

۶-۲- شیوه شرح انقروی در شرح کبیر خود موسوم به فاتح الابیات:

این شرح، شرحی است کامل بر تمامی ابیات شش دفتر مثنوی مولانا. بدین گونه که شارح سعی کرده در بیشتر ابیات مثنوی، صنایع لفظی و معنوی بکار رفته را ذکر نماید و حتی در مواقعی به توضیح آن صفت ادبی میپردازد و چند شاهد نیز ذیل توضیح خود می‌آورد و اگر در بیتی چندین تفسیر، متصوّر باشد تمامی آن تفاسیر را بیان میکند.

شیوه شرح انقروی به این صورت است که تمامی یک بیت را ذکر کرده و سپس به توضیح کامل بیت میپردازد. به گونهای که میتوان گفت کار او تفسیر بیت به بیت مثنوی است. وی در توضیح خود از اقوال مشایخ بزرگ استفاده میکند و برای تبیین تفسیر خویش از ابیات بزرگان بهره میجوید. در صورتیکه در بیتی واژه‌های دشوار و دور از ذهن وجود داشته باشد؛ به توضیح کامل آن واژه میپردازد تا جایی که در واژه‌های دارای چند معنا، پس از ذکر تمامی معانی، به معنای آن واژه در آن بیت به خصوص اشاره میکند. انقروی سعی کرده است پس از توضیح بیت اول هر داستان، توضیحی کوتاه در مورد فضای کلی داستان به دست دهد تا خواننده با آگاهی کامل وارد داستان شود. این توضیح در ابیاتی که جنبه داستانی ندارد به صورت بیان منظور و قصد مولانا از ذکر مجموع ابیات آمده؛ میباید.

۶-۲-الف- ویژگی مشترک « شرح انقروی » با « شرح سروری »

روش مشترک شرح سروری و شرح انقروی ذکر چندین تفسیر در بعضی از ابیات مثنوی است به این معنا که هر دو شارح سعی کرده‌اند در ابیاتی که به چندین روش تفسیر میشوند تمامی تفاسیر را ذکر کنند. همچنین سروری و انقروی از حکایات و اقوال مشایخ بزرگ در شروح خود استفاده کرده‌اند و واژه‌های دور از ذهن را تفسیر کرده و توضیح داده‌اند. دیگر ویژگی مشترک این دو شارح بیان توضیحی در مورد داستان، قبل از شرح هر داستان است.

۶-۲-ب- اختلاف « شرح انقروی » با « شرح سروری »

کار انقروی شرح بیت به بیت مثنوی است در حالی که سروری مصرع به مصرع آن را شرح میکند. انقروی تنها شارحی است که وجود جلد هفتم مجعولی را بر مثنوی، پذیرفته است. مثنوی شناسان ایرانی، در مورد انتساب جلد هفتم به مثنوی معتقدند: ”آن را یکی از مردمان آسیای صغیر که از مریدان و معتقدان مولانا بوده و به زبان فارسی آشنایی چندان نداشته؛ به قصد تقلید به هم پیوسته و از فرط ناهوشیاری حتی یک بیت هم که متضمن فکری لطیف یا لفظی شریف باشد؛ نظم نداده است“ (زندگانی مولانا جلال الدین محمد، فروزانفر؛ ۱۶۱). انقروی در شرح خود به تفاسیر پیشینیان نیز توجه داشته است و گاهی این شروح را نقد میکند در صورتیکه در شرح سروری هیچ اشاره‌ای به شارحان قبل از خود او نشده است و کتابی از ایشان نقد نگردیده است.

نتیجه

شرح سروری اولین شرح کامل مثنوی معنوی است که در حوزه عثمانی، در ترکیه کنونی در قرن دهم تألیف شده است. نثر پخته و اسلوب شیوای شرح علاوه بر اینکه نشان دهنده تسلط شارح بر ادبیات فارسی و ادبیات عرفانی است، معلوم میکند که تا چه اندازه زبان فارسی و بخصوص مثنوی معنوی در حوزه عثمانی اهمیت داشته است. با توجه به اهمیت مثنوی معنوی و گسترش مباحث مثنوی شناسی در دانشگاه‌های جهان از یک سو و پیدا شدن نسخه‌ای به خط مؤلف در کتابخانه غازی خسرو بیگ، لزوم تصحیح و چاپ این اثر ضروری مینماید. شارحی که معانی و افکار بلند مولانا را با بیانی شیوا و بی تکلف بیان داشته است. شرحی که اگر پیش از این، مورد توجه و تصحیح قرار میگرفت، شاید برای علاقه مندان به مثنوی مولوی و جویندگان مفاهیم نهفته آن، بسیار کارگشا میگردد. مصطفی بن شعبان سروری با حجم فراوان شروح آثار فارسی، عربی و ترکی بزرگان، عالمی است که با وجود لقب شایسته معرفت معروف، تا کنون به درستی و به حق، شناخته و معرفی نشده است.

منابع و مأخذ

۱. اسرارالغیوب، خواجه ایوب (۱۳۷۷) تصحیح و تحشیه محمد جواد شریعت، چاپ اول، انتشارات اساطیر، تهران.
۲. جواهر الاسرار و زواهر الانوار، خوارزمی، کمال الدین (۱۳۶۶) تصحیح محمد جواد شریعت، انتشارات مشعل، اصفهان.
۳. رساله در تحقیق احوال و زندگانی مولانا جلال الدین محمد مشهور به مولوی، بدیع الزمان فروزانفر (۱۳۹۴) تصحیح محمود جنیدی جعفری، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۴. ریحانة الادب، مدرس تبریزی، محمد علی (۱۳۴۶) انتشارات کتاب فروشی ختام، چاپ دوم، تهران.
۵. سرنی، زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۲) انتشارات علمی، چ چهارم، تهران.
۶. شرح کبیر بر مثنوی شریف، انقروی، رسوخ الدین اسماعیل (۱۳۷۴)، ترجمه عصمت ستار زاده، چاپ اول، انتشارات زرین، تهران.
۷. شرح مثنوی، سبزواری، ملا هادی (۱۳۷۴) به کوشش مصطفی بروجردی، چاپ اول، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران.
۸. شرح مثنوی، سروری، مصطفی بن شعبان (۹۵۹) نسخه خطی محفوظ در کتابخانه غازی خسرو بیگ بشماره ۳۷۷۰.

۹. شرح مثنوی شریف، فروزانفر، بدیع‌الزمان (۱۳۸۸) انتشارات زوار، چاپ چهاردهم، تهران.
۱۰. شرح مثنوی معنوی، داعی شیرازی، نظام‌الدین محمود (۱۴۰۵ق) تصحیح محمد نذیر رانجه‌ها، نشر مرکز تحقیقات ایران و پاکستان، اسلام‌آباد.
۱۱. شرح مثنوی مولوی، اکبرآبادی، ولی محمد (۱۳۸۳) به اهتمام مایل هروی، جلد اول، نشر قطره، تهران.
۱۲. شعر و ادب فارسی در آسیای صغیر تا سده دهم هجری، خسروشاهی، رضا (۱۳۵۰) چاپ اول، انتشارات دانشسرای عالی، تهران.
۱۳. فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، درایتی، مصطفی (۱۳۹۰) سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۱۴. فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، منزوی، احمد (۱۳۶۳) مرکز تحقیقات ایران و پاکستان، اسلام‌آباد.
۱۵. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه بروسه، سبحانی، توفیق (۱۳۶۸) انتشارات دانشگاه گیلان.
۱۶. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه‌های ترکیه (۲۲ کتابخانه)، سبحانی، توفیق (۱۳۷۳) مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۱۷. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه دانشگاه استانبول، سبحانی، توفیق (۱۳۷۴) پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۱۸. فهرست نسخه‌های خطی فارسی، منزوی، احمد (۱۳۸۴) نشر دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
۱۹. فهرستواره دستنوشته‌های ایران (دنا)، درایتی، مصطفی (۱۳۸۹) انتشارات کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، تهران.
۲۰. فهرستواره کتابهای فارسی، منزوی، احمد (۱۳۸۲) نشر مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران.
۲۱. الذریعه، آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، (۱۳۷۲) ترجمه و تلخیص محمد آصف فکرت، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد مقدس.
۲۲. مثنوی خوانی در بوسنی و هرزگوین، عابدپور، سعید (۱۳۸۸) اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۴۲، صص ۴۰ - ۴۲.
۲۳. مثنوی معنوی و نیکلسون، سلماسی‌زاده، جواد (۱۳۴۹) دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، ش ۹۴، صص ۲۰۸ - ۲۱۵.
۲۴. مخزن الاسرار، اکبرآبادی، ولی محمد (۱۳۸۳) به اهتمام مایل هروی، جلد اول، نشر قطره، تهران.

۲۵. مصنفات شیعه، آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، (۱۳۷۲) ترجمه و تلخیص محمد آصف فکرت، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد مقدس.
۲۶. مکاشفات رضوی، لاهوری، مجتدرضا (۱۳۷۷) به تصحیح کوشش منصوری، چاپ اول، انتشارات روزنه، تهران، ۱۳۷۷.
۲۷. نگاهی به شروع کهن مثنوی معنوی، بیگ باباپور، یوسف (۱۳۸۷) آینه پژوهش، ش ۱۱۲، صص ۷۰ - ۸۳.
۲۸. نگاهی به کتاب شرح مثنوی تألیف محمد نعیم، بیگ باباپور، یوسف (۱۳۸۸) کتاب ماه ادبیات، ش ۱۴۵، صص ۸۹ - ۹۳.
۲۹. نسخه شناخت، صفری، علی (۱۳۹۰) مرکز پژوهشی میراث مکتوب، تهران.
۳۰. نگاهی به شروع کهن مثنوی معنوی، بیگ باباپور، یوسف (۱۳۸۷) آینه پژوهش، ش ۱۱۲، صص ۷۰ - ۸۳.
۳۱. نی‌نامه، چرخ، یعقوب بن عثمان (۱۳۳۶) انتشارات رادیو کابل.
۳۲. هداية العارفين اسماء المؤلفين و آثار المصنفين من كشف الظنون، پاشا البغدادي، اسماعيل (۱۴۱۳ قمری)، المجلد السادس، دارالمکتب العلمیه، بیروت-لبنان